
بررسی عوامل فردی و زمینه‌ای مرتبط با رضایت جنسی زنان (مطالعه زنان متأهل در شهر تبریز)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۶/۱۶

فاطمه گلابی

دانشیار گروه علوم اجتماعی - دانشکده حقوق و علوم اجتماعی - دانشگاه تبریز - تبریز - ایران -

f.golabi@tabrizu.ac.ir

محمدباقر علیزاده اقدام

استاد گروه علوم اجتماعی - دانشکده حقوق و علوم اجتماعی - دانشگاه تبریز - تبریز - ایران -

m.alizadeh@tabrizu.ac.ir

الهام حسین زاده

کارشناسی ارشد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز - ehosseinzadeh181@gmail.com

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی میزان رضایتمندی جنسی زنان متأهل و عوامل فردی و زمینه‌ای مرتبط با آن بوده است. تحقیق موردنظر به شیوه پیمایش و با بهره‌گیری از تکنیک پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری تحقیق، کلیه زنان متأهل ساکن در شهر تبریز بوده‌اند که ۴۰۰ نفر از آنها با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. برای بررسی رضایت جنسی از پرسشنامه استاندارد عملکرد جنسی زنان (MSF) با هفت بعد مشارکت جنسی، ابراز جنسی، هیجان جنسی، تمایل جنسی، تحقق جنسی، نگرش جنسی و آگاهی جنسی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میانگین شاخص رضایت جنسی زنان در حد متوسط به بالاست. میانگین ابعاد رضایت جنسی به ترتیب برابر بوده با مشارکت جنسی بین ۱۴-۴۸ (۳۵/۴۰)، ابراز جنسی در بین ۱۳-۴۸ (۳۲/۱۳)، هیجان جنسی بین ۹-۳۶ (۲۲/۴۵)، تمایل جنسی بین ۱۲-۳۶ (۲۵/۰۲)، تحقق جنسی در بین ۱۵-۶۰ (۴۱/۰۲) و نگرش جنسی بین ۲۳-۶۶ (۵۲/۴۶).

نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها نشان داد تفاوت معناداری بین رضایت جنسی زنان بر اساس تحصیلات خود و تحصیلات همسران، اشتغال خود و اشتغال همسران، سن خود و سن همسران، تعداد فرزند، فاصله سنی زوجین و میزان درآمد خانواده‌شان وجود دارد؛ ولی بر اساس طول مدت ازدواج و داشتن فرزند با رضایت جنسی زنان، تفاوت معناداری مشاهده نشد. به عنوان یک نتیجه‌گیری کلی، فراتر از شاغل یا غیرشاغل بودن زنان، داشتن سرمایه اقتصادی به زنان امکان می‌دهد در میدان اجتماعی، عاملیت داشته باشند و برای ایجاد رضایت جنسی و بالا بردن آن در زندگی زناشویی خود می‌توانند اقداماتی انجام دهند.

واژگان کلیدی:

رضایت جنسی، فاصله سنی زوجین، طول مدت ازدواج، زنان.

مقدمه

یکی از کارکردهای اصلی تشکیل خانواده، تنظیم و برقراری روابط جنسی است؛ به بیان دیگر ازدواج و تشکیل خانواده از راهکارهای اصلی برای کنش متقابل و روابط جنسی زن و مرد است؛ بنابراین خانواده، ازدواج و روابط جنسی در راستای یکدیگر قرار می‌گیرند. ازدواج رابطه عاطفی، جنسی و اقتصادی میان زن و مرد تعریف شده که مورد تأیید شرع و قانون است و تعهد در برابر یکدیگر جنبه‌ای مهم در این رابطه چندبعدی است. رابطه جنسی، هم به لحاظ عاطفی و هم به لحاظ جسمی، عاملی قوی و تعیین کننده در زندگی زناشویی است (ر.ک: حیدری و همکاران، ۱۳۸۹).

رضایت جنسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مربوط به رضایت زناشویی و تمایلات جنسی، واکنش‌های هیجانی ناشی از ارزیابی ذهنی ابعاد مثبت و منفی رابطه جنسی است و درحقیقت آخرین مرحله از چرخه پاسخ جنسی شناخته می‌شود (ر.ک: سیچ^۱ و همکاران، ۲۰۱۶م). عملکرد جنسی همسران یکی از مهم‌ترین عوامل در کیفیت رابطه زناشویی و نیز سازگاری همسران تأثیرگذار است. رابطه جنسی زوج را یک مدل کوچک‌تر از رابطه زوج در نظر می‌گیرند (ر.ک: مرادی اورگانی، ۱۳۹۱). اینکه متأهلان چقدر از روابط جنسی خود رضایت

1.Schich.

دارند و چه عواملی بر رضایت جنسی اثر می‌گذارد، موضوع مهمی است. رضایت جنسی درجه‌ای تعریف شده که همسران از برآورده شدن انتظارات و نیازهای جنسی خود و همسر خود آگاه می‌شوند (ر.ک: یاکل و گاسانو،^۱ ۲۰۱۰). به باور بسیاری، رابطه جنسی زن و شوهر عاملی تعیین‌کننده در رضایت و کیفیت زندگی زناشویی است. هماهنگی جنسی از معیارهای اساسی در انتخاب همسر معرفی شده است؛ به گونه‌ای که اگر رفتارها و معیارهای جنسی در زن و مرد خیلی با هم متفاوت باشد، می‌تواند مشکلات بسیاری ایجاد کند؛ اما اگر تمایلات جنسی زوج نیاز دو طرف را ارضا کند، احساس سعادت در روابط زندگی پدید می‌آید (ر.ک: حیدری و فرخی، ۱۳۹۶). امروزه زنان نسبت به گذشته توقعات بیشتری از ارتباط جنسی دارند. در گذشته ارتباط جنسی عملی بود که زن برای ارضای شوهرش به آن تن می‌داد؛ ولی اکنون جامعه ارضای نیازهای جنسی زنان را بیشتر می‌پذیرد و زنان بیشتر مجازند جنبه احساسی خود را کشف کنند و لذت ببرند (ر.ک: گری، ۱۳۹۱).

رضایت جنسی یک مفهوم چندبعدی است که هم جنبه‌های عاطفی و هم جنبه‌های فیزیولوژیک رابطه جنسی را در بر می‌گیرد (ر.ک: باقیان زارچی، ۱۳۹۳). رضایت جنسی تنها لذت جسمانی نیست و شامل کلیه احساسات باقی‌مانده پس از جنبه‌های مثبت و منفی ارتباط جنسی می‌شود (ر.ک: مک‌نیل و بایرز،^۲ ۲۰۰۶م).

نارضایتی از رابطه جنسی می‌تواند به مشکلات عمیق در روابط همسران و ایجاد تنفر از همسر، دلخوری، حسادت، حس انتقام‌گیری، تحقیر، نداشتن اعتمادبه‌نفس و مانند آن بینجامد و به تدریج شکاف بین همسران را عمیق‌تر کند (ر.ک: یاکل و گاسانو، ۲۰۱۰م). به علت محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های نامناسب بهداشتی در مقوله جنسی در برخی جوامع مانند ایران، پرداختن به این موضوع مشکل اصلی پژوهشگران است. به این دلیل اطلاعات پایه و مطالعات پایه و مطالعات در این زمینه بسیار اندک است (ر.ک: فاتحی‌زاده و احمدی، ۱۳۸۴). تعارضات و مشکلات جنسی همواره جزو چند علت اول طلاق و تعارضات زناشویی هستند. در کشور ما نیز هر ساله آمارهای متعددی درباره علت مشکلات زناشویی و طلاق مطرح می‌شود که در این میان نقش

1. Yucel & Gassanov.

2. McNeil and Bayers.

مشکلات و عوامل جنسی بسیار پررنگ است. در یک پژوهش، ۸۸ درصد از نمونه پژوهشی که درخواست طلاق داده بودند، یکی از علل درخواست طلاق خود را مسائل جنسی برشمرده بودند (ر.ک: بوالهروی و همکاران، ۱۳۹۱). وجود مشکلاتی در زمینه مسائل جنسی مانند کاهش تمایلات، ناتوانی جنسی و... چه بسا به خاطر ترس، نگرانی و شرم و خجالت یا احساس بی کفایتی و گناه، پنهان بماند و بیان نشود.

در بسیاری از این مواقع، این مشکلات نهفته ممکن است خود را با عوامل و عوارض دیگری مانند ناراحتی جسمی، افسردگی، نارضایتی و ناسازگاری در زندگی زناشویی نشان دهد و تا مرز اختلافات شدید خانوادگی و طلاق پیش برود. عوامل فردی و زمینه‌ای گوناگونی می‌تواند بر احساس رضایت یا نارضایتی جنسی همسران مؤثر باشد. در برخی از مطالعات مبتنی بر جمعیت، کاهش فراوانی فعالیت جنسی مرتبط با سن مشاهده شده است (ر.ک: دل‌ماتر^۱ و همکاران، ۲۰۰۸م). چندین مطالعه همچنین نشان داده‌اند رضایت جنسی با افزایش سن کاهش می‌یابد (ر.ک: چائو^۲ و همکاران، ۲۰۱۱م/سیرا^۳، ۲۰۱۴م). همچنین به‌خوبی اثبات شده جنسیت پیش‌بینی‌کننده مهمی برای رضایت جنسی است (ر.ک: دل‌مار^۴ و همکاران ۲۰۱۵م). در این رابطه، یکی از یافته‌های ثابت تحقیق این است که مردان سطوح بالاتری از رضایت جنسی را نسبت به زنان گزارش می‌کنند (ر.ک: کیم و جان^۵، ۲۰۱۳م/لومان^۶ و همکاران، ۲۰۰۶م). در یک جامعه یا فرهنگ، فعالیت و رضایت جنسی نیز بین طبقات اجتماعی مردم، متفاوت است. تحصیلات ممکن است در تعیین موقعیت جنسیت در زندگی افراد مهم باشد. افراد با تحصیلات عالی بیشتر از افراد کم‌سوادتر ارزش زیادی برای تمایلات جنسی قائل‌اند (ر.ک: اسمیت^۷، ۱۹۸۹م). افضلی^۸ و همکاران (۲۰۲۰م) در پژوهش خود نشان دادند شغل همسر به عنوان کارگر، درآمد

1. Delamater.
2. Chao.
3. Sierra.
4. del Mar.
5. Kim & Jeon.
6. Laumann.
7. Schmidt.
8. Afzali.

اندک، درآمد ناکافی همسر و نارضایتی از زن بودن از عوامل اجتماعی اصلی تعیین کننده رضایت جنسی هستند. در واقع از یافته‌های پژوهش آنها می‌توان نتیجه گرفت عوامل متعددی بر رضایت جنسی زنان تأثیر می‌گذارد. از میان تمامی عوامل اجتماعی، چهار عامل پیش‌بینی کننده رضایت جنسی زنان شامل شغل، وضع اقتصادی خانواده، رضایت از درآمد و رضایت از خود بود. از جمله متغیرهای جمعیت‌شناختی دیگر مانند نژاد، سن، جنسیت، تحصیلات، شخصیت، اعتماد به نفس، گرایش جنسی، پذیرش نقش جنسی، بارداری و زایمان، بیماری‌های روانی، بیماری‌های مزمن، سوء مصرف مواد مخدر، الکل، یا تنباکو و سوء استفاده جنسی، آسیب جنسی یا تجربه‌های بد جنسی بوده است (ر.ک: افضلی و همکاران، ۲۰۲۰م). بررسی برخی مطالعات کیفی نشان می‌دهد رضایت جنسی برای زنان ایرانی معنای دیگری دارد. دیدگاه افراد به دلیل افزایش سطح تحصیلات زنان، اشتغال و استقلال مالی زنان، شکاف بین بلوغ جنسی و ازدواج و توانمندسازی و تغییر نگرش زنان به زندگی جنسی تغییر یافته است (ر.ک: شکوری و همکاران، ۱۳۸۶).

نتایج تحقیق عبدالمنافی و همکاران بیانگر آن است که در زنان ایرانی و نیوزلندی، افکار شکست و بی‌تفاوتی، نبود اندیشه‌های شهوانی و احساسات ترس در هنگام فعالیت جنسی، پیش‌بینی کننده‌های معناداری برای نارضایتی جنسی بودند. نتایج همچنین نشان داد محافظه کاری جنسی و باورهای انفعال جنسی زنان، افکار سوء استفاده جنسی و ترس در هنگام فعالیت جنسی، پیش‌بینی کننده‌های پررنگی برای نارضایتی جنسی در زنان ایرانی هستند. اعتقاد به میل و لذت جنسی به عنوان گناه، باورهای مرتبط با سن و احساساتی مانند غم و اندوه، سرخوردگی و آسیب پیش‌بینی کننده درخور توجهی از نارضایتی جنسی در زنان نیوزیلندی بودند (عبدالمنافی^۱ و همکاران، ۲۰۱۸م).

رضایت یا نارضایتی جنسی متغیری است که از عملکرد و لذت جنسی تفکیک پذیر و فراتر از آن است؛ به طوری که ممکن است زوجی بتواند عملکرد جنسی خوبی در هریک از مراحل رابطه جنسی داشته باشد و لذت جنسی ناشی از عملکرد جنسی را تجربه کند؛ اما نتواند رضایت جنسی که ناشی از ارتباط جنسی و زناشویی مناسب بوده و ابعاد گسترده‌ای دارد را کسب کند. رضایت جنسی می‌تواند تحت تأثیر تحصیلات، اشتغال، تعارض کار-

1. Abdogmanafi.

خانواده، مشکل در روابط زن و شوهری، تعارضات زناشویی و نقش جنسیتی باشد (ر.ک: درگاهی و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از مهم‌ترین عوامل خوشبختی در زندگی زناشویی و کیفیت زندگی خوب، روابط لذت‌بخش جنسی و رضایت جنسی است؛ زیرا رضایت‌بخش نبودن زندگی زناشویی جنسی سبب ایجاد احساس محرومیت، ناکامی و نبود ایمنی در همسران می‌شود. این محرومیت جنسی می‌تواند در نهایت موجب طلاق و ازهم‌گسیختگی زندگی زناشویی شود. بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد زن و شوهر به طور پنهانی مشکلاتی درباره مسائل جنسی دارند؛ اما آن را یک راز می‌شمرند و از بیان آن خودداری می‌کنند (ر.ک: اسکندری و پرندین، ۱۴۰۰).

از جمله دلایل معقول و منطقی توجه و مطالعه بر روی رضایت جنسی، درک مهم و اساسی بودن آن در سلامت خانواده و زوجین و در نتیجه ثبات زندگی زناشویی است؛ زیرا نبود یا کاهش احساس رضایت جنسی می‌تواند سبب ایجاد محرکی برای جدایی و طلاق بین زوجین شود. با توجه به مباحث طرح‌شده می‌توان گفت اجرای پژوهش‌هایی از این دست برای شناسایی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر رضایت جنسی یا عوامل ایجاد نارضایتی جنسی در کشور از اهمیت بسیاری برخوردار است. یافته‌های این تحقیق می‌تواند از یک سو هزینه‌ها و مشکلات مادی و روانی ناشی از اختلافات خانوادگی و پدیده جدایی و دلسردی همسران را کاهش دهد و از سوی دیگر با افزایش شناخت در مورد مسئله مورد نظر می‌توان پیشنهادهای مناسبی برای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان اجرایی داد تا بنیان‌های خانواده استحکام بیشتری یابد. با بررسی‌های نظری و تجربی درباره مسئله رضایت جنسی می‌توان گفت با وجود آنکه مطالعات گوناگونی در زمینه رضایت جنسی و برخی عوامل مؤثر بر آن انجام شده، اغلب پژوهش‌ها بر اساس تئوری‌های روان‌شناختی انجام شده‌اند. همچنین تحقیقات بر عواملی همچون استفاده از رسانه، دین‌داری و عشق و... تأکید کرده‌اند؛ اما در این تحقیق سعی شده متغیرهای زمینه‌ای و فردی مؤثر بر رضایت جنسی زنان بررسی دقیق شود.

پیشینه نظری تحقیق

بررسی متون موجود نشان می‌دهد نظریه‌های ویژه و مستقلی در ارتباط با متغیرهای مورد بررسی وجود ندارد. با وجود این با بهره‌گیری از برخی تأملات نظری و یافته‌های

پژوهشی مرتبط می‌توان رابطه برخی متغیرهای فردی با رضایت جنسی را تشریح کرد. هلمبرگ و بلیر^۱ (۲۰۰۹م) رضایت جنسی را ارزیابی کلی و سراسری فرد از کیفیت زندگی جنسی خود تعریف کرده‌اند و رحیمی و همکاران (۱۳۸۸) رضایت جنسی را احساس لذت برآمده از رفتارهای فردی یا تعاملات بین فردی می‌دانند. لارسون^۲ و همکاران (۱۹۹۸م) رضایت جنسی را میزان خرسندی همسران از مسائل جنسی و توانایی لذت بردن و لذت دادن به یکدیگر معرفی می‌کنند (ر.ک: فرج‌نیا، ۱۳۹۲).

بر اساس تعریف فاووز و اولسن^۳ (۱۹۸۹م) رضایت جنسی رضایت از محبت و نحوه ابراز آن، میزان راحتی هنگام بحث از مسائل جنسی و بیان خواسته‌ها و نگرش‌ها درباره رابطه جنسی، آمیزش و تصمیمات مربوط به کنترل موالید و احساسات فرد را درباره وفاداری جنسی منعکس می‌کند (ر.ک: آشوری، ۱۳۸۹).

دانیل و بریجز^۴ (۲۰۱۳م) معتقدند رضایت جنسی به عنوان یک ارزیابی ذهنی، شامل واکنش‌های تأثیرگذاری است که به‌طور کلی از ارزیابی روابط جنسی نشئت می‌گیرد و سلامت عمومی فرد را از جنبه‌های گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهد (ر.ک: دوستی و همکاران، ۱۳۹۵).

غریزه جنسی از نیازهای اساسی و ذاتی انسان به شمار می‌آید؛ به‌طوری‌که مازلو (۱۹۷۶م) این نیاز را در ردیف نیازهای جسمانی و مهم اولیه می‌داند. او در زمینه رابطه جنسی معتقد است اگرچه زندگی زناشویی سعادت‌مندانه فقط تا اندازه‌ای مربوط رابطه جنسی است؛ اما این رابطه ممکن است از عوامل مهم احساس خوشبختی یا نداشتن احساس خوشبختی در زندگی همسران باشد. اگر این رابطه قانع‌کننده نباشد، باعث ایجاد احساس محرومیت یا ناکامی و احساس ناایمنی و ازهم‌پاشیدگی خانواده می‌شود (ر.ک: بخشایش و مرتضوی، ۱۳۸۸).

پیشینه تجربی تحقیق

در مورد رضایت جنسی، تحقیقات گوناگونی در داخل و خارج از کشور انجام شده است.

1. Holmberg & Blair.
2. Larson.
3. Fowers & Olson.
4. Daniel & Bridges.

پیشینه تجربی داخلی تحقیق

فراهانی و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «تأثیر اشتغال زنان بر رضایتمندی جنسی ایشان در خانواده» انجام داده‌اند. روش پژوهش از نوع علی - مقایسه‌ای بوده است. جامعه آماری کلیه زنان مراجعه کننده به مرکز مشاهده دانشگاه شهید بهشتی هستند. نتایج تحقیق نشان داد بین مدت خدمت کاری و ساعت کار و متغیر رضایت جنسی، ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد. همچنین میان وضع شغلی و تنوع کاری، تناسب شغل با مهارت و متغیر رضایت جنسی، ارتباط معنادار و مستقیم وجود دارد. همچنین رابطه بین رضایت شغلی و رضایتمندی جنسی تأیید شد. نتایج تحقیق بیانگر این است که هرچه رضایت شغلی در زنان بیشتر باشد، رضایتمندی جنسی آنان نیز بالاتر است. ستوده و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان «بررسی میزان رضایت جنسی در زنان مراجعه کننده به مراکز سلامت جامعه شهر مشهد» با روش توصیفی - تحلیلی انجام داده‌اند. جامعه پژوهش ۳۰۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهر مشهد و ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه استاندارد بوده است. نتایج تحقیق نشان داد بین رضایت جنسی با متغیرهای درآمد، نوع خانه مسکونی و زندگی با چه کسانی، رابطه معنادار مشاهده شد. همچنین بین رضایت جنسی با تعداد فرزندان، رابطه معناداری وجود دارد و میان سن و مدت زمان سپری شده از ازدواج با رضایت جنسی افراد، رابطه معناداری وجود ندارد. دوستی و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «رضایت جنسی شهروندان تهران و رابطه آن با جنسیت، سطح تحصیلات و مدت ازدواج» انجام داده‌اند که روش این تحقیق از نوع توصیفی - همبستگی بوده است. جامعه آماری شامل کلیه بازدیدکنندگان از پایگاه اینترنتی Dousti.net و ساکن تهران بوده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد بین رضایت جنسی زنان و تعداد سال‌هایی که از زندگی مشترک آنان می‌گذرد، همبستگی منفی وجود دارد؛ به طوری که هرچه از زندگی مشترک بیشتر می‌گذرد، میزان رضایت جنسی کاهش می‌یابد. همچنین بین رضایت جنسی، سطح تحصیلات و درآمد رابطه معناداری وجود ندارد. دهقانی و همکاران (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان «رابطه بین سلامت اجتماعی و مشخصات جمعیت‌شناختی بر رضایت جنسی زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهر قم» انجام داده‌اند. جامعه آماری این مطالعه که به صورت توصیفی و از نوع همبستگی انجام شده، زنان متأهل شهر قم بوده است. نتایج تحقیق نشان داد بین سلامت اجتماعی و رضایت جنسی، همبستگی مثبت معناداری وجود

دارد. همچنین بین سن و مدت ازدواج با رضایت جنسی، رابطه معنادار معکوس وجود دارد. با افزایش سن و مدت زمان ازدواج، میزان رضایت جنسی نیز کاهش می‌یابد. بین تحصیلات با رضایت جنسی نیز رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد.

از جمله برخی دیگر از تحقیقات مانند بخشایش و مرتضوی (۱۳۸۸)، رحمانی و همکاران (۱۳۹۰)، موحد و عزیززی (۱۳۹۰)، قیصری و کریمیان (۱۳۹۲)، حجت‌پناه و رنجبر کهن (۱۳۹۲)، حیدری و فرخی (۱۳۹۶) بر رابطه معنادار میان رضایت جنسی و رضایت زناشویی و کیفیت زندگی زناشویی تأکید دارند. برخی دیگر مانند رحمانی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه معنادار بین عزت‌نفس با اختلال عملکرد و رضایتمندی جنسی در زنان، کارگر و همکاران (۱۳۹۹) به احساس شرم و گناه و دشواری در تنظیم هیجان در پیش‌بینی رضایت جنسی زنان، درعین حال نتایج تحقیقات رحمانی و همکاران (۱۳۹۰) به رابطه بین طول مدت ازدواج و رضایت جنسی در میان زنان و تحقیقات خانقاهی و همکاران (۱۳۹۸)، اسفندیاری و همکاران (۱۳۹۵)، مهدی‌زادگان و شریفی‌رنانی (۱۳۹۴) و امیرسرداری و همکاران (۱۳۹۳) به تفاوت رضایت جنسی بین زنان شاغل و غیرشاغل اشاره داشته و برخی به تأثیر مثبت اشتغال بر رضایت جنسی و برخی بر تأثیر منفی آن اشاره کرده‌اند.

پیشینه تجربی خارجی تحقیق

فان و لویی^۱ (۲۰۰۴م)، بوک‌والا^۲ (۲۰۰۵م)، کراسبی^۳ و همکاران، (۲۰۰۷م) و بولل و کوئیرک^۴ (۲۰۱۵م) بر رابطه معنادار بین رضایت جنسی و رضایت زناشویی و کیفیت زندگی زناشویی تأکید دارند. اسلوزارز^۵ و همکاران (۲۰۰۰م) به ارتباط میان برانگیختگی جنسی با تفکر مثبت در میان زنان، همچنین سیچ و همکاران (۲۰۱۶م) به ارتباط معنادار بین عزت‌نفس جنسی و رضایت جنسی اشاره داشته‌اند.

فری هارت^۶ و همکاران (۲۰۲۰م) تحقیقی با عنوان «پیش‌بینی‌کننده‌های رابطه‌ای و بین فردی رضایت جنسی» انجام دادند. هدف این بررسی گردآوری تحقیقات اخیر در مورد

1. Fan & Lui.
2. Bookwala.
3. Crosby.
4. Boolell & Quirk.
5. Slosarz.
6. Freihart.

پیش‌بینی‌کننده‌های بین‌فردی و رابطه‌ای رضایت جنسی و شناسایی روندهای کلیدی در این حوزه از تحقیقات بوده است. معرفی مدل تبادل بین‌فردی رضایت جنسی (IEMSS) در سال ۱۹۹۵ میلادی سبب شد محققان به جای ارزیابی تجربه‌های جنسی فردی، رضایت جنسی را در یک زمینه رابطه‌ای مفهوم‌سازی کنند. این تغییر به تحقیقات دوتایی بیشتری در مورد رضایت جنسی انجامید و در سال‌های اخیر، تحقیقات متمرکز بر زوج، شماری از عوامل را شناسایی کرده‌اند که رضایت جنسی را در سطوح شریک جنسی و رابطه‌ای، تسهیل یا تضعیف می‌کنند. عواملی مانند ارتباط، سازگاری جنسی و رضایت از رابطه، همگی رضایت جنسی بیشتر را تسهیل می‌کنند. برعکس، عواملی مانند اختلاف میل و اختلال عملکرد جنسی کاهش‌دهنده‌های رایج هستند. کوئین نیلاس^۱ (۲۰۱۹م) تحقیقی با عنوان «رابطه و رضایت جنسی: دیدگاه رشدی در دوسویه بودن» انجام داده‌اند. هدف از این مطالعه بهره‌گیری از داده‌های طولی از ازدواج‌های میان‌سال آمریکایی برای آزمایش جهت‌گیری ارتباط بین رضایت از رابطه و رضایت جنسی بوده است. یافته‌ها تأیید می‌کنند ازدواج‌های طولانی‌مدت و پایدار آمریکایی‌های میان‌سال در سطح نمونه با افزایش خطی رضایت از رابطه در طی بیست سال و کاهش خطی در رضایت جنسی در همان بازه زمانی مشخص می‌شود. همبستگی‌های مسیر نشان داد تغییرات در رابطه و رضایت جنسی به‌شدت به هم مرتبط هستند. زگیه^۲ و همکاران (۲۰۱۹م) تحقیقی با عنوان «رضایت جنسی و عوامل مرتبط با آن در میان زنان متأهل در شمال اتیوپی» انجام داده‌اند. مطالعه مقطعی مبتنی بر جامعه با رویکرد مختلط در شمال اتیوپی بر روی نمونه‌ای متشکل از ۳۹۷ زن متأهل انجام شده است. داده‌های کمی در مصاحبه حضوری با بهره‌گیری از پرسشنامه از پیش آزمون‌شده و داده‌های کیفی با استفاده از مصاحبه عمیق گردآوری شد. برای ارزیابی رضایت جنسی زنان از مقیاس جدید رضایت جنسی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد نیمی از شرکت‌کنندگان (۵۰ درصد) رضایت جنسی متوسطی را ابراز کردند و تنها ۳۹ درصد از شرکت‌کنندگان بیشترین رضایت جنسی را گزارش دادند. ارتباط ضعیف با شریک زندگی، عزت‌نفس ضعیف جنسی، نبود مسئولیت اجتماعی، عملکرد جنسی ضعیف،

1. Quinn-Nilas.

2. Zegeye.

نداشتن اطلاعات قبلی در مورد تمایلات جنسی و درک صحبت‌های جنسی به عنوان تابو به طور چشمگیری با رضایت جنسی مرتبط بودند.

فرضیه‌های پژوهش

- بین سن زنان و رضایت جنسی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سن همسر و رضایت جنسی زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سرمایه اقتصادی زنان و رضایت جنسی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- میانگین رضایت جنسی زنان بر حسب اشتغال زنان، اشتغال همسر، تحصیلات زنان، تحصیلات همسر، تعداد فرزندان، فاصله سنی همسران، درآمد خانوار، طول مدت ازدواج و داشتن فرزند متفاوت است.

بر اساس آنچه گفته شد، در این تحقیق به بررسی عوامل فردی و زمینه‌ای مؤثر بر رضایت جنسی زنان متأهل پرداخته می‌شود. بر این اساس پرسش‌ها به شرح ذیل مطرح‌اند: رضایت جنسی در میان زنان شهر تبریز در چه حدی است؟ چه رابطه‌ای بین رضایت جنسی زنان و با تحصیلات، اشتغال سن زنان و همسر، فاصله سنی همسران، میزان درآمد خانواده، تعداد فرزندان، داشتن فرزند و طول مدت ازدواج و سرمایه اقتصادی زنان وجود دارد؟

روش‌ها

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و به لحاظ زمانی، مقطعی است و به شیوه پیمایش به اجرا درآمده است. داده‌ها از طریق پرسشنامه به عنوان ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، در نیمه اول سال ۱۳۹۸ جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری در این پژوهش، تمامی زنان متأهل ساکن شهر تبریز و با تعداد ۷۳۹۴۴۵ نفر بودند که از این تعداد، ۳۸۴ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه تعیین شده‌اند؛ ولی برای جبران نواقص، حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. واحد تحلیل در این پژوهش، فرد است. شیوه نمونه‌گیری این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده که در مناطق ده‌گانه شهر تبریز انجام گرفته است. میزان جمعیت هر منطقه مشخص شده و در هر منطقه، بلوک‌ها یا محله‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شد. در نهایت از هر بلوک، خانه‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شدند. حجم نمونه به تناسب جمعیت مناطق به هر منطقه، مشخص و پرسشنامه‌ها توزیع شد. در بررسی اعتبار صوری پرسشنامه از نظرهای استادان و متخصصان آگاه و باسابقه در حیطه موضوعی استفاده شد. در اعتبار سازه‌ای سؤال‌های پرسشنامه بر

اساس چارچوب نظری تحقیق و پیشینه تجربی طراحی شده است. پردازش آماری داده‌ها با نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

متغیر وابسته تحقیق «رضایت جنسی» است. در تعریف مفهومی، به‌طور کلی میزان خرسندی همسران از روابط جنسی و توانایی لذت بردن و لذت دادن به یکدیگر، «رضایت جنسی» خوانده می‌شود. رضایت جنسی به عنوان یک رابطه، جنبه‌های متفاوتی دارد که شامل جنبه‌های جسمانی، عاطفی، شناختی و اخلاقی است. جنبه جسمانی با فاکتورهای فیزیولوژیکی و جنبه عاطفی با انتقال احساسات، جنبه شناختی با فرایند شناخت در مورد رابطه جنسی و جنبه اخلاقی با احترام دوجانبه و اهمیت قائل شدن برای طرف مقابل مرتبط است.

برای سنجش رضایت جنسی، مقیاس‌های گوناگونی طراحی و عرضه شده است. از جمله می‌توان به پرسشنامه وضعیت جنسی گلوبوک راست^۱، پرسشنامه رضایت جنسی^۲، مقیاس رضایت جنسی^۳ و رضایت جنسی زنان^۴ اشاره کرد. در این پژوهش نیز از پرسشنامه رضایت جنسی عملکرد جنسی زناشویی^۵ استفاده شده است. این پرسشنامه قبلاً توسط فرج‌نیا و همکاران (۱۳۹۲) در ۶۰ سؤال و ۷ بعد به روش نمره‌گذاری لیکرت طراحی و اجرا شده است. در این تحقیق، متغیر رضایت جنسی در هفت بعد مشارکت جنسی (با ۸ گویه و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹)، ابراز جنسی (با ۸ گویه و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۰)، هیجان جنسی (با ۶ گویه و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷)، تمایل جنسی (با ۶ گویه و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷)، تحقق جنسی (با ۱۰ گویه و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱)، نگرش جنسی (با ۱۱ گویه و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۵) و آگاهی جنسی (با ۱۱ گویه و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳) بررسی شده است.

متغیر سرمایه اقتصادی یکی از متغیرهای مستقل تحقیق است که به تمامی امکانات و دارایی‌ها و منابع و لوازمی که قابلیت مبادله با پول را داشته باشند، اطلاق می‌شود. در این تحقیق، درآمد شخصی فرد، مسکن، اتومبیل، سپرده بانکی یا زمین و لوازم دیگر سرمایه

1. The Golombok-Rust Inventory of Sexual State (GRISS).
2. Sexual Satisfaction Questionnaire (SSQ).
3. Index of Sexual Satisfaction (ISS).
4. Sexual Satisfaction Scale for Women (SSSW).
5. Marital Sexual Function Scale (MSFS).

اقتصادی زنان در نظر گرفته شده است. این متغیر در سطح رتبه‌ای سنجیده شده است. در تجزیه و تحلیل تک‌متغیره از جدول‌های توصیفی با ذکر فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌ها و در تحلیل دومتغیره از آزمون T test و آنالیز واریانس و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌ها

۴۰۰ زن متأهل شهر تبریز در این پژوهش شرکت کرده بودند. نتایج به‌دست آمده در مورد سن آزمودنی‌ها نشان می‌دهد کمترین سن پاسخگویان، ۲۰ سال، بیشترین سن ۶۰ سال و میانگین سنی پاسخگویان برابر با ۳۵/۰۵ بوده است.

همچنین با توجه به نتایج تحقیق، میانگین سنی ۴۴/۲ درصد از پاسخگویان بین ۳۱ تا ۴۰ سال، میانگین سنی ۳۹/۵ درصد پاسخگویان بین ۲۰ تا ۳۰ سال، میانگین سنی ۱۳ درصد پاسخگویان بین ۴۱ تا ۵۰ سال و میانگین سنی ۳/۲ درصد از پاسخگویان بین ۵۱ تا ۶۰ سال بوده است که اکثریت پاسخگویان در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال بوده‌اند. در فاصله سنی زوجین، ۱۰/۲ درصد (۴۱ نفر) هم سن، ۵۱/۵ درصد (۲۰۶ نفر) بین ۱ تا ۵ سال، ۳۱/۳ درصد (۱۲۵ نفر) بین ۶ تا ۱۰ سال و ۷ درصد (۲۸ نفر) بین ۱۱ تا ۱۵ سال فاصله سنی با هم داشته‌اند. از ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۸۷/۲ درصد (۳۴۹ نفر) دارای فرزند هستند و ۱۲/۸ درصد (۵۱ نفر) فرزند ندارند.

۳۹/۵ درصد (۱۵۱ نفر) دارای ۱ فرزند، ۳۲ درصد (۱۲۸ نفر) دارای ۲ فرزند، ۱۱/۲ درصد (۴۵ نفر) دارای ۳ فرزند و ۴/۵ درصد (۱۸ نفر) دارای ۴ فرزند یا بیشتر هستند. در میزان درآمد خانواده، ۱۳ درصد دارای درآمد کمتر از یک‌ونیم میلیون تومان، ۳۸/۸ درصد بین یک‌ونیم تا سه میلیون، ۲۶/۵ درصد بین سه تا چهارونیم میلیون، ۱۵/۵ درصد بین چهارونیم میلیون تا شش میلیون و ۶/۳ درصد بیش از شش میلیون تومان درآمد داشته‌اند.

۸/۳ درصد (۳۳ نفر) از پاسخگویان با تحصیلات کمتر از دیپلم، ۲۷/۴ درصد (۱۱۰ نفر) دارای تحصیلات دیپلم و فوق‌دیپلم، ۳۶/۵ درصد (۱۴۶ نفر) دارای تحصیلات لیسانس، ۲۳/۸ درصد (۹۵ نفر) دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و ۴ درصد (۱۶ نفر) دارای تحصیلات دکترا هستند. در مورد تحصیلات همسران، ۶ درصد (۲۴ نفر) از پاسخگویان با تحصیلات کمتر از دیپلم، ۳۲/۷ درصد (۱۳۱ نفر) دارای تحصیلات دیپلم و فوق‌دیپلم، ۳۷/۲ درصد (۱۴۹ نفر) دارای تحصیلات لیسانس، ۱۸/۲ درصد (۷۳ نفر) دارای تحصیلات فوق‌لیسانس

و ۵/۸ درصد (۲۳ نفر) دارای تحصیلات دکترا هستند.

بیشترین فراوانی مربوط به زنان خانه‌دار (۴۳/۵ درصد برابر با ۱۶۷ نفر) است. ۵۸ نفر (۱۴/۸ درصد) دانشجو، ۶ نفر (۲ درصد) بازنشسته، ۸۴ نفر (۲۱/۵ درصد) شاغل در شرکت‌های خصوصی، ۱۵ نفر (۵ درصد) شاغل در ادارات دولتی بوده و ۴۶ نفر (۲/۳۲ درصد) فعالیت آزاد داشته‌اند. در نهایت در وضع شغلی همسران پاسخگویان، بیشترین فراوانی مربوط به همسران با شغل آزاد (۵۵ درصد / ۲۲۰ نفر) و سپس افراد شاغل در بخش خصوصی (۲۱ درصد / ۸۴ نفر)، شاغلان بخش دولتی (۱۵ درصد / ۶۰ نفر) و بازنشستگان (۸ درصد / ۳۲ نفر) بوده است. دانشجویان و افراد بیکار نیز هر کدام ۰/۵ درصد (۲ نفر) را به خود اختصاص داده‌اند.

برای به دست آوردن شاخص کلی رضایت جنسی و ابعاد گوناگون آن، نمرات هر گویه را در هر بعد و سپس به طور کلی برای هریک از پاسخگویان جمع کردیم تا شاخص رضایت جنسی در جامعه آماری مورد مطالعه حاصل شود. نتایج در جدول شماره ۱ ارائه شده است. در نمونه مورد مطالعه، ۴۴ درصد زنان دارای رضایت جنسی زیاد، ۳۴ درصد زنان دارای رضایت جنسی متوسط و ۲۲ درصد از زنان دارای رضایت جنسی کم هستند. همچنین به تفکیک تعداد و درصد مربوط به هریک از ابعاد رضایت جنسی در این جدول آورده شده است.

جدول ۱. شاخص رضایت جنسی زنان شهر تبریز

رضایت جنسی و ابعاد آن		زیاد		متوسط		کم		جمع	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۲۲۳	۵۵/۲۶	۱۲۰	۲۹/۴۱	۵۷	۱۵/۳۳	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	درصد
۱۵۵	۳۸/۶۸	۱۵۲	۳۵/۴۰	۹۳	۲۵/۵۱	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	درصد
۱۳۴	۳۲/۵۱	۱۸۸	۴۷/۲۱	۷۸	۲۰/۲	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	درصد
۱۴۲	۳۵/۵	۱۶۶	۴۱/۳۳	۹۲	۲۳/۱۳	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	درصد
۱۸۲	۴۵/۵	۱۵۹	۳۹/۵۹	۵۹	۱۴/۸۸	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	درصد
۱۲۳	۲۹/۴۹	۹۳	۲۳/۱۳	۱۸۴	۴۱/۰	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	درصد
۲۴۵	۷۱/۳۵	۱۱۴	۲۸/۷۱	۴۱	۱۴/۰۴	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	درصد
۱۷۲	۴۴/۰۴	۱۴۲	۳۴/۹۶	۸۷	۲۲/۰۱	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	درصد

بر اساس نتایج مندرج از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول شماره ۲ بین همه ابعاد رضایت جنسی با خود شاخص رضایت جنسی زنان رابطه مثبت و معناداری مشاهده شده است؛ یعنی با افزایش هر یک از ابعاد یادشده، میزان رضایت جنسی زنان افزایش می‌یابد. از آنجاکه سطح معناداری به دست آمده ۰/۰۰۰ است، فرض رابطه معنادار میان ابعاد و شاخص رضایت جنسی تأیید می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد رضایت جنسی با همدیگر

رضایت جنسی									متغیرها
آگاهی جنسی	نگرش جنسی	تحقق جنسی	تمایل جنسی	هیجان جنسی	ابراز جنسی	مشارکت جنسی	رضایت جنسی	آماره	
۰/۷۴۸	۰/۴۹۷	۰/۸۸۳	۰/۸۱۴	۰/۸۵۸	۰/۸۷۹	۰/۸۸۰	۱	همبستگی	رضایت جنسی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-	sig	
۰/۶۲۹	۰/۳۶۹	۰/۸۳۶	۰/۶۶۷	۰/۷۱۵	۰/۷۰۸	۱	۰/۸۸۰	همبستگی	مشارکت جنسی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	sig	
۰/۵۸۴	۰/۳۶۱	۰/۷۴۴	۰/۷۶۲	۰/۷۸۰	۱	۰/۷۰۸	۰/۸۷۹	همبستگی	ابراز جنسی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	sig	
۰/۶۱۸	۰/۳۰۴	۰/۷۵۹	۰/۶۸۰	۱	۰/۷۸۰	۰/۷۱۵	۰/۸۵۸	همبستگی	هیجان جنسی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	sig	
۰/۵۶۲	۰/۳۲۱	۰/۶۶۸	۱	۰/۶۸۰	۰/۷۶۲	۰/۶۶۷	۰/۸۱۴	همبستگی	تمایل جنسی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	sig	
۰/۵۳۳	۰/۳۱۹	۱	۰/۶۶۸	۰/۷۵۹	۰/۷۴۴	۰/۸۳۶	۰/۸۸۳	همبستگی	تحقق جنسی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	sig	
۰/۱۷۱	۱	۰/۳۱۹	۰/۳۲۱	۰/۳۰۴	۰/۳۶۱	۰/۳۶۹	۰/۴۹۷	همبستگی	نگرش جنسی
۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	sig	
۱	۰/۱۷۱	۰/۵۳۳	۰/۵۶۲	۰/۶۱۸	۰/۵۸۴	۰/۶۲۹	۰/۷۴۸	همبستگی	آگاهی جنسی
-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	sig	

بر اساس نتایج مندرج از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول شماره ۳ بین سن زنان و سن مردان با رضایت جنسی زنان، رابطه معناداری مشاهده شده است؛ یعنی با افزایش سن زنان و سن شوهران آنها، میزان رضایت جنسی زنان کاهش می‌یابد. با افزایش

میزان سرمایه اقتصادی زنان، میزان رضایت جنسی زنان افزوده می شود. از آنجا که سطح معناداری به دست آمده ۰/۰۱۴ است، فرض رابطه معنادار میان این دو متغیر تأیید می شود.

جدول ۳. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سن پاسخگو و همسر و رضایت جنسی

رضایت جنسی		متغیرها
-۰/۱۳۹	ضریب همبستگی	سن زنان
۰/۰۰۵	سطح معناداری	
-۰/۱۷۴	ضریب همبستگی	سن همسر
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۰/۱۲۶	ضریب همبستگی	سرمایه اقتصادی
۰/۰۱۴	سطح معناداری	

نتایج آزمون تفاوت میانگین ها برای دو متغیر داشتن فرزند (اسمی دووجهی) و رضایت جنسی، بیانگر آن است که از لحاظ میانگین نمرات رضایت جنسی، تفاوت معناداری بین دو گروه زنان (دارای فرزند و بدون فرزند) وجود ندارد.

جدول ۴. نتایج آزمون تفاوت میانگین ها بین رضایت جنسی زنان بر حسب داشتن فرزند

Sig	Df	T	انحراف معیار	میانگین	تعداد	داشتن فرزند	شاخص
۰/۶۵۵	۳۹۷	۰/۴۴۷	۴۵/۸۴	۲۴۴/۷۹	۳۴۸	دارای فرزند	رضایت جنسی
			۴۰/۱۱	۲۴۱/۷۶		۵۱	

طبق نتایج مندرج در جدول شماره ۵، فرض وجود تفاوت بین میانگین میزان رضایت جنسی پاسخگویان (زنان) و تعداد فرزندان، با مقدار کمیت F برابر با ۱۲/۵۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید می شود. مقایسه میزان رضایت جنسی زنان بر اساس تعداد فرزند نشان می دهد میزان رضایت جنسی زنانی که دارای ۱ فرزند هستند، با میانگین ۲۵۵/۴۰ بیشتر و میزان رضایت جنسی زنانی که دارای ۴ فرزند و بیشتر هستند، با میانگین ۱۹۱/۴۴ کمتر است.

مقایسه میزان رضایت جنسی زنان بر اساس فاصله سنی نشان می دهد میزان رضایت جنسی زنانی که با همسرانشان هم سن هستند، با میانگین ۲۶۱/۵۴ بیشتر و میزان رضایت جنسی زنانی که فاصله سنی بین ۱۵ تا ۱۱ سال با شوهرانشان دارند، با میانگین ۲۲۵/۱۸ کمتر است. طبق آزمون، هرچه فاصله سنی زنان با همسر خودشان بیشتر می شود، میزان نارضایتی جنسی در میان آنان افزایش می یابد.

جدول ۵. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه رضایت جنسی زنان بر حسب متغیرهای مستقل

شاخص	رضایت جنسی	تعداد	میانگین	Df	F	Sig
تعداد فرزند	۱ فرزند	۱۵۷	۲۵۵/۴۰	۳۴۴	۱۲/۵۲	۰/۰۰۰
	۲ فرزند	۱۲۸	۲۴۱/۰۲			
	۳ فرزند	۴۵	۲۳۹/۸۴			
	۴ فرزند و بیشتر	۱۸	۱۹۱/۴۴			
	کل	۳۴۸	۲۴۴/۷۹			
فاصله سنی همسران	هم سن	۴۱	۲۶۱/۵۴	۳۹۵	۴/۰۲	۰/۰۰۸
	۱-۵ سال	۲۰۶	۲۴۵/۵۹			
	۶-۱۰ سال	۱۲۴	۲۴۱/۱۱			
	۱۱-۱۵ سال	۲۸	۲۲۵/۱۸			
	کل	۳۹۹	۲۴۴/۴۰			
تحصیلات زنان	بی سواد	۴	۱۳۰/۰	۳۹۱	۱۲/۰۰۱	۰/۰۰۰
	ابتدایی	۱۰	۲۰۵/۶۰			
	راهنمایی	۱۹	۲۱۹/۳۶			
	دیپلم	۸۹	۲۴۸/۵۹			
	فوق دیپلم	۲۱	۲۳۱/۴۷			
	لیسانس	۱۴۵	۲۴۲/۲۶			
	فوق لیسانس	۹۵	۲۵۰/۶۸			
	دکتری	۱۶	۳۰۲/۷۵			
	کل	۳۹۹	۲۴۴/۴۰			
تحصیلات همسر	ابتدایی	۳	۲۱۲/۳۳	۳۹۲	۷/۵۴	۰/۰۰۰
	راهنمایی	۲۱	۲۰۶/۸۵			
	دیپلم	۹۳	۲۴۴/۸۸			
	فوق دیپلم	۳۸	۲۴۹/۷۶			
	لیسانس	۱۴۹	۲۴۶/۶۲			
	فوق لیسانس	۷۳	۲۳۵/۲۳			
	دکتر	۲۲	۲۸۸/۷۲			
	کل	۳۹۹	۲۴۴/۴۰			
وضع	خصوصی	۸۶	۲۴۳/۲۹	۳۹۳	۶/۶۶	۰/۰۰۰
	دولتی	۱۹	۲۸۷/۷۸			

مقالات

بررسی عوامل فردی و زمینه‌ای مرتبط با رضایت جنسی زنان
(مطالعه زنان متأهل در شهر تبریز)

			۲۳۳/۱۳	۵۳	آزاد	اشتغال پاسخگو
			۲۳۹/۳۷	۱۷۴	خانه‌دار	
			۲۲۵/۶۲	۸	بازنشسته	
			۲۵۹/۵۴	۵۹	دانشجو	
			۲۴۴/۴۰	۳۹۹	کل	
۰/۰۲۳	۲/۶۴۵	۳۹۳	۲۴۰/۳۹	۸۴	خصوصی	وضع اشتغال همسر پاسخگو
			۲۵۳/۸۶	۶۰	دولتی	
			۲۶۵/۷۹	۲۱۹	آزاد	
			۲۲۶/۱۵	۳۲	بازنشسته	
			۳۰۱/۰۰	۲	دانشجو	
			۲۱۱/۵۰	۲	بیکار	
			۲۴۴/۴۰	۳۹۹	کل	
۰/۰۰۰	۶/۴۸۸	۳۷۲	۲۵۴/۷۵	۱۹۵	کمتر از ۳ میلیون تومان	درآمد خانواده
			۲۶۵/۲۰	۱۵۸	بین ۳-۶ میلیون تومان	
			۲۹۵/۵۸	۱۹	بین ۶-۹ میلیون تومان	
			۲۹۹/۰۰	۴	بیش از ۹ میلیون تومان	
			۲۶۱/۶۸	۳۷۶	کل	

نتایج آزمون آنالیز واریانس نشان می‌دهد فرض وجود تفاوت بین میانگین نمرات رضایت جنسی پاسخگویان و میزان تحصیلات آنها با مقدار F برابر با $۱۲/۰۰۱$ و سطح معناداری $۰/۰۰۰$ تأیید می‌شود و میانگین نمره رضایت جنسی زنان بیانگر وجود رابطه میان میزان تحصیلات زنان و رضایت جنسی آنان است. همچنین بین میزان تحصیلات همسر و رضایت جنسی زنان، فرض وجود تفاوت بین میانگین نمرات رضایت جنسی پاسخگویان و میزان تحصیلات آنها با مقدار F برابر با $۷/۵۴$ و سطح معناداری $۰/۰۰۰$ تأیید می‌شود. تأیید این دو فرضیه بیانگر این است که با بالا رفتن سطح تحصیلات زن و مرد در خانواده، سطح رضایت جنسی زن در زندگی زناشویی بالاتر می‌رود.

فرض وجود تفاوت بین میانگین میزان رضایت جنسی زنان و اشتغال خودشان و نیز

اشتغال همسرشان، با توجه به مقدار کمیت F و سطح معناداری تأیید می‌شود. مقایسه میانگین رضایت جنسی زنان بر حسب وضع شغلی آنان نشان می‌دهد میزان رضایت جنسی زنان دارای شغل دولتی بیشتر و میزان رضایت جنسی زنان بازنشسته کمتر است.

بررسی رضایت جنسی زنان بر حسب طول مدت ازدواج، تفاوتی را نشان نداد؛ از این رو بین کسانی که مدت کوتاهی از ازدواجشان گذشته با کسانی که مدت زیادی است ازدواج کرده‌اند، تفاوتی در رضایت جنسی وجود نداشت. در نهایت مطابق با مندرجات جدول شماره ۴، فرض وجود تفاوت بین میانگین رضایت جنسی زنان بر اساس درآمد خانواده، با مقدار F ۶/۴۸۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید می‌شود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت افزایش درآمد خانواده می‌تواند بر میزان رضایت جنسی زنان تأثیر بگذارد و آن را افزایش دهد.

برای تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر رضایت جنسی، از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. بر اساس نتایج جدول ۶، میزان F مشاهده شده معنادار است (۰/۰۰۰) و حدود ۲۰ درصد از واریانس رضایت جنسی را متغیرهای تعداد فرزند، تحصیلات زنان، طول مدت ازدواج، تحصیلات همسر، فاصله سنی همسران، اشتغال زنان و درآمد خانواده تبیین می‌کنند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، با توجه به نتایج جدول، تحصیلات زنان با بتای ۰/۴۳۳ بیشترین و درآمد خانواده با بتای ۰/۱۳۱ کمترین مقدار واریانس رضایت جنسی را تبیین کرده‌اند.

جدول ۶. رگرسیون چندمتغیره برای پیش‌بینی رضایت جنسی

مقادیر	شکل تبیینی	تحلیل واریانس		Sig	T	بتا	متغیر	وضع شکل
		Sig	کمیت F					
۰/۴۵۶	ضریب همبستگی چندگانه	Sig	کمیت F	۰/۰۰۰	-۴/۹۹	-۰/۳۷۱	تعداد فرزند	متغیرهای وارد شده به مدل
۰/۲۰۸	ضریب تبیین			۰/۰۰۰	۴/۲۸	۰/۴۳۳	تحصیلات زنان	
۰/۱۹۱	ضریب تبیین اصلاح شده			۰/۰۰۰	۳/۸۹	۰/۲۹۸	طول مدت ازدواج	
۴۱/۶۶	اشتباه معیار برآورد	۰/۰۰۰	۱۲/۰۴	۰/۰۰۷	-۲/۶۹	-۰/۲۴۸	تحصیلات همسر	
				۰/۰۱۱	-۲/۵۵	-۰/۱۳۳	فاصله سنی	

مقالات

بررسی عوامل فردی و زمینه‌ای مرتبط با رضایت جنسی زنان (مطالعه زنان متأهل در شهر تبریز)

						همسران	
				۰/۰۱۰	۲/۵۹	۰/۱۴۳	اشتغال زنان
				۰/۰۱۹	۲/۳۴	۰/۱۳۱	درآمد خانواده
				۰/۷۸۳	۰/۴۲۳	۰/۰۲۴	اشتغال همسر
				۰/۲۸۴	-۱/۵۶	-۰/۰۸۷	سن زنان
				۰/۲۵۴	-۱/۴۶	-۰/۰۸۲	سن همسر
۱/۷۰	دوربین واتسون						متغیرهای خارج شده از مدل

بحث و نتیجه‌گیری

رضایت جنسی فقط یک کیفیت و احساس فیزیکی و جسمانی نیست؛ بلکه یک ویژگی روانی و عاطفی است که بین همسران اتفاق می‌افتد و از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. رضایت جنسی می‌تواند متأثر از عوامل گوناگون جمعیت‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی باشد. جعفرپور قهنویه و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود که در ایلام انجام داده‌اند، میزان شیوع نارضایتی جنسی را تقریباً ۴۵ درصد گزارش کرده‌اند. همچنین فروتن و همکار (۱۳۸۷) میزان نارضایتی از کیفیت رابطه جنسی در زنان متقاضی طلاق را نزدیک ۰/۷۰ درصد گزارش کرده‌اند. بدین منظور هدف از انجام این پژوهش نیز مطالعه رضایت جنسی زنان و بررسی ارتباط برخی متغیرهای زمینه‌ای بر رضایت جنسی زنان بود. یافته‌های تحقیق نشان داد نمونه مورد مطالعه از رضایت جنسی بالایی برخوردار است و نتایج بیانگر وجود رابطه معنادار بین همه متغیرها به جز متغیر داشتن فرزند و طول مدت ازدواج است. در تحلیل و مقایسه نتایج با دیگر مطالعات انجام شده می‌توان گفت در کل در گروهی از تحقیقات بر روی عوامل ارتباطی و بین فردی مؤثر بر رضایت جنسی بحث شده است؛ یعنی کیفیت و چگونگی ارتباط همسران با یکدیگر بر احساس رضایت جنسی تأثیرگذار است. گروهی دیگر از مطالعات بر عوامل فیزیولوژیکی رابطه تأکید دارند؛ اینکه تعداد دفعات ارتباط جنسی هر قدر زیاد باشد، همسران رضایت جنسی بیشتری دارند. گروهی دیگر از مطالعات که این تحقیق نیز جزو آن گروه در نظر گرفته می‌شود، بر عوامل فردی و جمعیت‌شناختی مؤثر بر رضایت جنسی تأکید می‌کنند؛ مانند سن، جنس، شغل و نژاد. در واقع در این تحقیق، رابطه مؤلفه‌های غیرجنسی با رضایت جنسی بررسی شده است. وضع اشتغال زنان از دیگر عوامل مرتبط با افزایش سطح رضایت جنسی زنان است و مقایسه

میانگین نمرات نشان داد زنانی که شاغل و دارای شغل دولتی هستند، در مقایسه با زنانی که بازنشسته یا خانه‌دارند، از سطح رضایت جنسی بهتری برخوردارند؛ به بیان دیگر زنان شاغل به طور معنادار از نشاط و سلامت روانی بهتری برخوردارند و این بر رضایت جنسی آنان نیز مؤثر است. نتایج این تحقیق همانند تحقیقات خانقاهی و همکاران (۱۳۹۸)، اسفندیاری و همکاران (۱۳۹۵)، مهدی‌زادگان و شریفیان (۱۳۹۴)، امیرسرداری و همکاران (۱۳۹۳)، آذرکیش و همکاران (۱۳۹۶) و احمد هشمی و همکاران (۲۰۰۷) به تأثیر وضع شغلی بر ایجاد رضایت یا نارضایتی جنسی در زنان اذعان می‌کند. به نظر می‌رسد تحصیل و اشتغال دو عامل مهم در سلامت روانی زنان است. زنان شاغل امکان انجام فعالیت‌های مقبول و ارزشمند اجتماعی را که سبب افزایش عزت نفس است، پیدا می‌کنند و همین عزت نفس و احساس رضایت درونی بر تمام جنبه‌های زندگی از جمله روابط زن و شوهر تأثیر بسزایی خواهد داشت. همچنین اشتغال زنان مانند تیغی دولبه است که هم می‌تواند خانواده و جایگاه زنان را تقویت کند و هم به تضعیف و حتی تخریب بنیان‌های خانواده و جایگاه زنان بینجامد. شغل می‌تواند آزادی و ابتکار عمل فرد را افزایش دهد و امکان خودشکوفایی و غنی کردن خود را از طریق شغل بیشتر کند. همچنین فرد احساس مفید بودن کند و این گونه بخشی از نیازهای روانی انسان تأمین می‌شود و از این طریق به افزایش رضایتمندی از جمله رضایتمندی زناشویی و جنسی کمک کند. هر شغلی در جایگاهی خاص قرار دارد و دارای مزایا و معایب و به اصطلاح اثرات مثبت و منفی است. تربیت فرزندان تحصیل کرده و دارای آزادی عمل و اندیشه، بهبود سطح اقتصادی خانواده‌ها و... در زمره اثرات مثبت اشتغال زنان است و اثرات منفی این امر، کاهش دل‌بستگی کودک به مادر، خستگی جسمی و ذهنی زنان، توجه کافی نداشتن به همسر و فرزندان و... را شامل می‌شود.

میزان تحصیلات زنان و تحصیلات مردان در افزایش رضایت جنسی زنان مؤثر بوده است. در واقع هم به عنوان یکی از منابعی که باعث افزایش قدرت زن در ساختار قدرت خانواده می‌شود و هم به عنوان سرمایه فرهنگی که زن وارد خانواده می‌کند، در افزایش سطح رضایت جنسی زنان مؤثر بوده است. از سوی دیگر انتظار می‌رود افزایش میزان تحصیلات در زنان باعث تغییر نگرش آنان به مسائل و روابط جنسی خودشان در خانواده و جامعه شود. در حقیقت تحصیلات بالا با افزایش مهارت‌های عاطفی، شناختی و عقلانی به زنان در مواجهه با مشکلات زندگی یاری می‌رساند و باعث تغییر نگرش‌های نادرست به

مسائل جنسی می‌شود. همواره سطح تحصیلات و سطح سواد افراد به عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه و تغییر و تحولات فردی و اجتماعی مورد نظر بوده است. به همین منظور توجه به این عامل، نقش آن در سلامت فردی و اجتماعی و نیز نقش آن در رضایت جنسی چشمگیر است (ر.ک: بخشایش و مرتضوی، ۱۳۸۸).

معنادار شدن رابطه به دست آمده در اکثر تحقیقات مربوط به رضایت جنسی تأیید شده است که از آن جمله می‌توان به نتایج تحقیقات شاه‌سیاه و همکاران (۱۳۸۸ و ۱۳۹۰)؛ موحد و عزیزی (۱۳۹۰)، رحمانی و همکاران (۱۳۹۰)، حیدری و فرخی (۱۳۹۶) و درونه و همکاران (۱۳۹۶) اشاره کرد. همچنین معنادار شدن رابطه بین میزان تحصیلات و رضایت جنسی زنان با نتایج تحقیق دوستی و همکاران (۱۳۹۵) و شاه‌سیاه و همکاران (۱۳۹۰) همسو بوده است. این موضوع را می‌توان از زاویه‌ای دیگر نیز تبیین و بررسی کرد؛ اینکه افزایش تحصیلات باعث افزایش نارضایتی جنسی می‌شود؛ نتیجه‌ای که قریشی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه خود به آن رسیده‌اند.

از دیگر یافته‌های این تحقیق رابطه فاصله سنی همسران و رضایت جنسی زنان است. بر اساس نتایج، با افزایش فاصله سنی زن و شوهر، رضایت جنسی زنان در خانواده کاهش می‌یابد و برعکس. بالاترین رضایت جنسی در میان همسرانی دیده شد که زن و شوهر هم‌سن هستند و کمترین میزان رضایت جنسی مربوط به زنانی است که بین ۱۱ تا ۱۵ سال فاصله سنی با هم دارند. همچنین یافته این مطالعه مبنی بر همبستگی معکوس سن با رضایت جنسی با یافته‌های شاهواری و همکاران (۱۳۸۸) همسو بوده است.

بر اساس یافته‌ها، سن همسر نیز با رضایت جنسی رابطه معکوس داشته است. این نتیجه با یافته‌های متقی (۱۳۸۸) و شاهواری و همکاران (۱۳۸۸) همخوانی دارد. شاید از علل این امر، کاهش هورمون‌های زنانه و حتی گاه مردانه در ایجاد رابطه مطلوب بر اثر کاهش تمایلات جنسی باشد. حاجی حسنی (۱۴۰۰) در تحقیق خود این گونه بیان کرده که همراه با افزایش سن، تغییراتی در سیستم تناسلی زنان رخ می‌دهد. با بالا رفتن سن، علائمی مانند خشکی واژن به دلیل پایین آمدن مخاط از غدد دیواره واژن به عنوان علائمی از آتروفی واژن ظاهر می‌شود. به نظر می‌رسد این تغییرات در بدن زنان به کاهش عملکرد جنسی و کاهش رضایت جنسی زنان منجر می‌شود. در واقع با افزایش سن زنان می‌توان گفت نارضایتی جنسی زنان افزایش می‌یابد همان‌طور که قریشی و همکاران (۱۳۹۸) فرضیه

تحقیق را این گونه تبیین کردند که افزایش سن با افزایش نارضایتی جنسی همراه است. همچنین کاهش رضایت با افزایش سن به دلیلی تداخل فعالیت‌های جنسی با وظایف دیگر مانند فرزندان، شغل، مسئولیت‌های دیگر و با ملاحظات فرهنگی - اجتماعی و نقش آنها در کاهش انتخابی ارتباطات جنسی و... است. برک¹ (۲۰۰۷م) معتقد است تمایل جنسی و تناوب آمیزش‌ها با افزایش سن به تدریج کاهش می‌یابد. از آنجا که با افزایش سن، ثبات زندگی خانوادگی افزایش می‌یابد، زوجین بیشتر به هم وابسته می‌شوند و این وابستگی آنها را راضی نگه می‌دارد؛ به نحوی که زنان کمتر به رضایت جنسی می‌اندیشند (ر.ک: باقیان زارچی، ۱۳۹۳).

در مطالعه حاضر میزان درآمد خانواده با رضایت جنسی زنان ارتباط داشت. در واقع در خانواده‌ای که دارای درآمد بالا بود، رضایت جنسی زنان نیز بیشتر بوده است. ولی باز هم این تأثیر تا حدی ادامه دارد و پس از مدتی تأثیرش را از دست می‌دهد. همچنین درآمد بالای خانواده دسترسی مناسب‌تری به برخی از امکانات مانند کتاب‌ها و نشریات، کلاس‌ها و مشاوره‌های ازدواج و خانواده ایجاد می‌کند. استفاده از این امکانات خود می‌تواند در آگاهی دادن افراد به مسائل ازدواج و مسائل جنسی و برطرف کردن مسائل و مشکلات، بسیار مؤثر باشد. همچنین خانواده‌ای که درآمد بالایی دارند، به سبب کاهش مشکلات روحی ناشی از مشکلات اقتصادی، از رضایت جنسی بیشتری برخوردارند. این نتایج با یافته‌های دوستی و همکاران (۱۳۹۵) و شاهواری و همکاران (۱۳۸۸) هم‌راستا بوده است و با نتایج تحقیق بشارت و رفیع‌زاده (۱۳۹۵) ناهمسو بوده است.

در این مطالعه میان طول عمر ازدواج و رضایت جنسی، رابطه معناداری مشاهده نشد. این یافته ناهمسو با تحقیق درونه و همکاران (۱۳۹۶) است. در واقع آنها به این نتیجه رسیده بودند که بین رضایت جنسی و عمر ازدواج، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد؛ یعنی در ابتدای ازدواج، جذابیت‌ها و محرک‌های جنسی بر مشکلات همسران سرپوش می‌گذارد؛ اما با گذشت زمان و کاهش این جذابیت‌ها، مشکلاتی همچون افزایش اختلاف همسران، مسائل مربوط به فرزندان، مشکلات اقتصادی و تغییرات هورمون‌های زنان به مرور پیدا می‌شوند و بر رابطه جنسی اثر منفی می‌گذارند.

1. Berek.

یکی از یافته‌های مهم تحقیق، رابطه بین سرمایه اقتصادی و رضایت جنسی زنان بوده است. داشتن سرمایه اقتصادی برای زنان فراتر از شاغل یا غیرشاغل بودن آنان، امکان عاملیت در میدان اجتماعی را به آنان می‌بخشد و برای ایجاد رضایت جنسی و بالا بردن آن در زندگی زناشویی خود می‌تواند اقداماتی انجام دهند. مدیریت بدن، مراجعه به پزشک و مراکز مشاوره و... همگی می‌تواند در سایه پشتوانه مالی برای زنان اتفاق بیفتد. در کل نتایج این تحقیق با نتایج برخی تحقیقات دیگر همسو بوده است. برای نمونه افشاری (۱۳۹۵) در بررسی ارتباط نوع شغل و رضایت جنسی زنان شهر اهواز نشان داد میان نوع شغل و رضایتمندی جنسی، ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین درونه و همکاران (۱۳۹۶) در تهران در بررسی ارتباط عوامل اقتصادی و جمعیت‌شناختی با رضایت جنسی نشان دادند سن زوجین، عمر ازدواج، تحصیلات همسران، شاخص دارایی و درآمد مستقل زنان با رضایت جنسی ارتباط معناداری دارد. شاه‌سیاه (۱۳۸۸) به بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی پرداخت و نتایج تحقیق او نشان داد بین تعهد زناشویی و رضایت جنسی، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین عمر ازدواج و رضایت جنسی، رابطه معناداری وجود دارد؛ هرچه مدت کمتری از ازدواج گذشته باشد، رضایت جنسی بیشتر است. بین تحصیلات و رضایت جنسی نیز رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان تحصیلات بالا می‌رود، رضایت جنسی بیشتر خواهد بود. دوستی و همکاران (۱۳۹۵) در تهران، در بررسی رضایت جنسی شهروندان تهرانی و رابطه آن با جنسیت، سطح درآمد و تحصیلات و مدت ازدواج، نشان دادند بین رضایت جنسی و عمر ازدواج زنان، همبستگی منفی معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه بیشتر از زندگی مشترک می‌گذرد، میزان رضایت جنسی کاهش می‌یابد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

به عنوان پیشنهاد پژوهشی، این تحقیق اگر به صورت جداگانه در میان جامعه مردان بررسی شود و نتایج آن با نتایج این تحقیق مقایسه شود، مطالب بسیاری می‌تواند برای بحث، پیش روی ما قرار دهد. با توجه به میزان رضایت جنسی و متغیرهای آزمون‌شده در این تحقیق و اهمیت مسائل جنسی، پیشنهاد می‌شود مؤلفه‌های دیگر دخیل در رضایت جنسی، تعداد روابط نزدیکی، مذهب، روابط پیش از ازدواج، درجه صمیمیت، عشق و نقش جنسیتی در پژوهش‌های آینده آزموده شوند. همچنین جنبه‌های گوناگون رضایت جنسی از لحاظ عاطفی، فیزیکی و روابط بین‌فردی به طور جداگانه بررسی شود.

منابع و مأخذ

۱. اسفندیاری مقدم، عاطفه و حکیمه آقایی و مریم آذرنوش و مونا شهیدی؛ «میزان رضایت جنسی در کیفیت زندگی در زنان شاغل و خانه‌دار گرگان»؛ همایش ملی نقش زنان در توسعه پایدار، ۱۳۹۵.
۲. اسکندری، مریم و شیما پرندین؛ «پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های رضایت جنسی و صمیمیت در زوجین»؛ فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، س ۷، ش ۵۸، ۱۴۰۰، ص ۱۸۴-۱۹۹.
۳. امیرسرداری، لیلی و مجتبی رحیمی و احمد اسمعیلی؛ «بررسی رابطه بین خودکارآمدی و اضطراب صفت و حالت در بین کارکنان نیروی انتظامی»؛ طب انتظامی، دوره ۳، ش ۲، ۱۳۹۳، ص ۹۵-۱۰۰.
۴. افشاری، پوران‌دخت و مریم نیک بینا و شهناز نجار و محمدحسین حقیقی‌زاده؛ «بررسی ارتباط نوع شغل با عملکرد و رضایت جنسی زنان شهر اهواز»؛ ساری: همایش سراسرس راهکارهای ارتقای سلامت و چالش‌ها، ۱۳۹۵.
۵. آشوری، معصومه؛ «بررسی اثربخشی برنامه‌ریزی عصبی کلامی بر رضایت زناشویی، رضایت جنسی و مهارت‌های ارتباطی زوجین جوان»؛ پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه الزهراء ع، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۱۳۸۹.
۶. باقیان زارچی، اعظم؛ «بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده رضایت جنسی زنان شهر یزد»؛ پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۱۳۹۳.
۷. بخشایش، علیرضا و مهناز مرتضوی؛ «رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در بین زوجین»؛ روان‌شناسی کاربردی، س ۳، ش ۴، ۱۳۸۸، ص ۷۳-۸۵.
۸. بشارت، محمدعلی و بهار رفیع‌زاده؛ «پیش‌بینی سطوح رضایت جنسی و

- سازگاری زناشویی بر اساس متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی؛ *روان‌شناسی خانواده*، دوره ۳، ش ۱، ۱۳۹۵، ص ۳۱-۴۶.
۹. بوالهروی، جعفر و فاطمه رمضان‌زاده و نسرين عابدي‌نيا و محمدمهدی تقی‌زاده و هاجر پهلوانی و سیدمهدی صابری؛ «بررسی برخی از عوامل منجر به تقاضای طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران؛ *اپیدمیولوژی ایران*، دوره ۸، ش ۱، ۱۳۹۱، ص ۸۳-۹۳.
۱۰. جعفرپور قهنویه، معصومه و محسن معروفی و میترا ملایی‌نژاد؛ «رابطه خودپنداره و عملکرد جنسی زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز بهداشت و درمان شهر مبارکه»؛ *توسعه پژوهش در پرستاری و مامایی*، دوره ۱۲، ش ۳، ۱۳۹۴، ص ۴۰-۴۷.
۱۱. حاجی‌حسینی، مهرداد؛ «نقش عوامل جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی در رضایت جنسی زنان بعد از چهل‌سالگی»؛ *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، دوره ۱۹، ش ۱ (۶۶)، ۱۴۰۰، ص ۱۲۱-۱۴۱.
۱۲. حجت‌پناه، مینا و زهره رنجبر کهن؛ «رابطه بین رضایت جنسی، رضایت زناشویی و رضایت از زندگی زوجین»؛ *چشم‌انداز امین*، دوره ۱، ش ۱، ۱۳۹۲، ص ۵۶-۶۳.
۱۳. حیدری، محمود و خدیجه زالی‌پور و اعظم مولایی؛ «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس جهت‌گیری در رابطه جنسی»؛ *خانواده‌پژوهی*، س ۶، ش ۴ (۲۴)، ۱۳۸۹، ص ۵۱۱-۵۲۵.
۱۴. حیدری، مرضیه و فاطمه فرخی؛ «عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زنان و مردان متأهل در شهرستان آباد»؛ *پروژه تحقیقاتی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباد، ۱۳۹۶.
۱۵. خانقاهی، سوفیا و نرگس بامدی و صفورا خوش‌دل دریاسری؛ «بررسی مقایسه‌ای اضطراب بیماری و رضایت جنسی زناشویی در زنان متأهل شاغل و خانه‌دار»؛ *زن و جامعه*، دوره ۱۰، ش ۳۹، ۱۳۹۸، ص ۹۹-۱۱۴.

۱۶. درگاهی، شهریار و اسماعیل صدری دمیرچی و حسین قمری کیوی و علی رضایی شریف و علی محمد نظری؛ «تبیین نارضایتی جنسی در زوجین شاغل: یک مطالعه پدیدارشناسی»؛ مجله سلامت و مراقبت، س ۲۲، ش ۴، ۱۳۹۹، ص ۳۶۰-۳۷۲.
۱۷. درونه، طیبه و گیتی ازگلی و زهره شیخان و ملیحه نصیری؛ «بررسی ارتباط عوامل اقتصادی و جمعیت‌شناختی با رضایت جنسی و زناشویی در یک نمونه از زنان ایرانی در سال‌های ۹۴-۹۵»؛ مجله دانشکده پزشکی اصفهان، دوره ۳۵، ش ۴۱۸، ۱۳۹۶، ص ۵۰-۵۶.
۱۸. دوستی، پیمان و سحرالسادات ترابیان و حسین محقق و عفت شیرازی؛ «رضایت جنسی شهروندان تهران و رابطه آن با جنسیت، سطح تحصیلات، درآمد و مدت ازدواج»؛ همایش ملی روان‌شناسی اجتماعی ایران، ۱۳۹۵، ص ۴۷-۵۳.
۱۹. دهقانی، فاطمه و مجید ضرغام حاجبی و حمید دهقانیان و ذبیح‌الله قارلی پور و مژگان زینلی پور؛ «رابطه بین سلامت اجتماعی و مشخصات جمعیت‌شناختی بر رضایت جنسی زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر قم»؛ مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، دوره ۱۴، ش ۶، ۱۳۹۹، ص ۶۱-۶۷.
۲۰. رحمانی، اعظم و عفت‌السادات مرقاتی خویی و نرجس صادقی و لیلا الله‌قلی؛ «ارتباط رضایت جنسی و رضایت از زندگی زناشویی»؛ نشریه پرستاری ایران، ج ۲۴، ش ۷۰، ۱۳۹۰، ص ۸۲-۹۰.
۲۱. رحیمی، الهام و عبدالله شفیق‌آبادی و فلورا مونسی؛ «بررسی تأثیر آموزش شناختی رفتاری بر دانش، نگرش و اعتمادبه‌نفس جنسی زنان شیراز»؛ ارمغان دانش، دوره ۱۴، ش ۳ (۵۵)، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳-۱۱۱.
۲۲. س‌توده، سمیه و مینو متقی و مهساسادات موسوی؛ «بررسی میزان رضایت جنسی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز سلامت جامعه شهر مشهد

- در سال ۱۳۹۶؛ مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، دوره ۲۶، ش ۱، ۱۳۹۶، ص ۷۳-۸۰.
۲۳. شاه‌سیاه، مرضیه و فاطمه بهرامی و سیامک محبی و یاسر تیرایی؛ «همبستگی بین بهزیستی ذهنی با کیفیت زندگی زناشویی زوجین»؛ مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، دوره ۵، ش ۴ (۲۰)، ۱۳۹۰، ص ۶۱-۶۷.
۲۴. شاه‌سیاه، مرضیه و فاطمه بهرامی و سیامک محبی؛ «بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا»؛ اصول بهداشت روانی، س ۱۱، ش ۳ (۴۳)، ۱۳۸۸، ص ۲۳۳-۲۳۸.
۲۵. شاهواری، زهرا و لیدا قلی‌زاده و سیما محمدحسین؛ «تعیین برخی عوامل مرتبط با رضایت جنسی زنان شهر گچساران»؛ مجله دانشگاه علوم پزشکی گرگان، دوره ۱۱، ش ۴ (۳۲)، ۱۳۸۸، ص ۵۱-۵۶.
۲۶. شکوری، علی و مریم رفعت‌جاه و معصومه جعفری؛ «مؤلفه‌های توانمندی زنان و عوامل موثر بر آنها»؛ پژوهش زنان، دوره ۵، ش ۱، ۱۳۸۶، ص ۱-۲۶.
۲۷. فاتحی‌زاده مریم و سیداحمد احمدی؛ «بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان»؛ خانواده‌پژوهی، س ۱، ش ۲، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹-۱۲۰.
۲۸. فراهانی، فاطمه و مریم حکمت‌پور و شیوا مقدم؛ «تأثیر اشتغال زنان بر رضایتمندی جنسی ایشان در خانواده»؛ مجله مدیریت فرهنگی، س ۹، ش ۳۰، ۱۳۹۵، ص ۱۱۱-۱۲۲.
۲۹. فرج‌نیا، سعیده و سیمین حسینیان و شهریار شهیدی و منصوره‌سادات صادقی؛ «نقش پیش‌بینی‌کنندگی عملکرد جنسی و کیفیت ارتباط بر تعهد زناشویی زوجین»؛ پژوهش‌های مشاوره، دوره ۱۲، ش ۴۸، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲-۱۴۲.
۳۰. فرج‌نیا، سعیده؛ «نقش پیش‌بینی‌کنندگی عملکرد جنسی و کیفیت ارتباط

- بر تعهد زناشویی زوجین»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء ع.ا.ه.، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۱۳۹۲.
۳۱. فروتن، سیدکاظم؛ «بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی خانواده»؛ *دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد*، دوره ۱۵، ش ۷۸، ۱۳۸۷، ص ۳۹-۴۴.
۳۲. قیصری، سهیلا و نادر کریمیان؛ «بررسی مدل علی رضایت جنسی بر اساس متغیرهای کیفیت زناشویی، رضایت از رابطه، اضطراب ارتباط جنسی، احقاق جنسی و دفعات آمیزش در دانشجویان زن متأهل بندرعباس»؛ *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، س ۴، ش ۱۶، ۱۳۹۲، ص ۸۵-۱۰۵.
۳۳. قریشی، ابولفضل و محمدمسعود وکیلی و مریم امیرمحسنی؛ «رضایت جنسی زنان متأهل و برخی متغیرهای مرتبط با آن»؛ *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران*، دوره ۷۷، ش ۱، ۱۳۹۸، ص ۶۴۰-۶۴۵.
۳۴. کارگر، سعیده و اعظم داوودی و محمد مظفری؛ «پیش‌بینی رضایت جنسی زنان بر اساس احساس شرم و گناه و دشواری در تنظیم هیجان»؛ *زن و جامعه*، دوره ۱۰، ش ۳۹، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵-۱۲۶.
۳۵. گری، جان؛ *مریخ و ونوس در اتاق خواب*؛ ترجمه روح‌الله بای و فاطمه بای؛ تهران: نشر دانژه، ۱۳۹۱.
۳۶. متقی، مریم؛ «بررسی دانش و نگرش جنسی زوجین و رابطه آن با میزان رضایت جنسی در بین شاغلین آموزش و پرورش منطقه ۴ شهر تهران»؛ رساله دکتری، دانشگاه الزهراء ع.ا.ه.، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، ۱۳۸۸.
۳۷. مرادی اورگانی، عیسی؛ «رابطه بین طرح‌واره‌های جنسی، رضایت جنسی و سازگاری زناشویی در بین فرهنگیان متأهل شهر فلاورجان»؛ پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۹۱.

۳۸. موحد، مجید و طاهره‌عزیزی؛ «مطالعه رابطه رضایتمندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران»؛ زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، ش ۲، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱-۲۰۶.

۳۹. مهدی‌زادگان، ایران و زینب شریفی رنانی؛ «مقایسه رضایت جنسی، تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی و تصویر بدن در زنان متأهل شاغل و خانه‌دار»؛ زن و مطالعات خانواده، دوره ۸، ش ۲۹، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵-۱۵۰.

40. Abdolmanafi, A. & P. Nobre & S. Winter & P. M. Tilley & R. G. Jahromi; "Culture and Sexuality: Cognitive-Emotional Determinants of Sexual Dissatisfaction Among Iranian and New Zealand Women"; *The Journal of Sexual Medicine*, 2018, v.15 (5), pp.687-697.
41. Afzali, M. & S. Khani & Z. Hamzehgardeshi & R.-A. Mohammadpour & F. Elyasi; "Investigation of the Social Determinants of Sexual Satisfaction in Iranian Women"; *Sexual Medicine*, 2020, v.8 (2), pp.290-296.
42. Ahmed Hashmi, A. & M. Khurshid & I. Hassan; "Marital Adjustment, Stress and Depression Among Working and Non-Working Married Women"; *Internet Journal of Medical*, Update 2007, v.2 (1), pp.19-26.
43. Bookwala, J.; "The Role of Marital Quality in Physical Health During the Mature Years"; *Journal of Aging and Health*, 2005, v.17, pp.85-104.
44. Boolell, M. & F. Quirk; "Development of Questioner on Sexual Quality of Life in Women"; *Journal of Sex & Marital Therapy*, 2015, v.31 (5), pp.385-397.
45. Berek S. J.; "Berek and Novak's Gynecology"; 42th. Philadelphia Lippincott Williams & Wilkins. 2007, p.247.
46. Chao, J. K. & Y. C. Lin & M. C. Ma & C. J. Lai & Y. C. Ku & W. H. Kuo & I. C. Chao; "Relationship Among Sexual Desire, Sexual Satisfaction, and Quality of Life in Middle-Aged and Older Adults"; *Journal of Sex & Marital Therapy*, 2011, v.37 (5), pp.386-403.
47. Daniel, S. & S. Bridges; "The Relationships Among Body Image, Aasculinity and Sexual Satisfaction in Men"; *Psychology of Men and Masculinity*, 2013, v.14 (4), pp.345-351.
48. Del Mar Sánchez-Fuentes, M. & J. C. Sierra; "Sexual Satisfaction in a Heterosexual and Homosexual Spanish Sample: The Role of Socio-Demographic Characteristics, Health Indicators, and Relational Factors"; *Sexual and Relationship Therapy*, 2015, v.30 (2), pp.226-242.
49. Delamater, J. & J. S. Hyde & M. C. Fong; "Sexual Satisfaction in the Seventh Decade of Life"; *Journal of sex & Marital Therapy*, 2008, v.34 (5), pp.439-454.

50. Fan, C. S. & H. K. Lui; "Extramarital Affairs, Marital Satisfaction and Divorce: Evidence from Hong Kong"; *Contemporary Economic Policy*, 2004, v.22 (4), pp.442-445.
51. Fowers, B. J. & D.H. Olson; "ENRICH Marital Inventory: A Discriminant Validity and Cross-Validation Assessment"; *Journal of Marital and Family Therapy*, 1989, v.15, pp.65-79.
52. Freihart, B. K. & M. A. Sears & C. M. Meston; "Relational and Interpersonal Predictors of Sexual Satisfaction"; *Current Sexual Health Reports*, 2020, v.12 (3), pp.136-142.
53. Holmberg, D. & K. L. Blair; "Sexual Desire, Communication, Satisfaction, and Preferences of Men and Women in Same-Sex Versus Mixed-Sex Relationships"; *The Journal of Sex Research*, 2009, v.46 (1), pp.57-66.
54. Kim, O. H. O. & Jeon; "Gender differences in factors influencing sexual Satisfaction in Korean Older Adults"; *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 2013, v.56 (2), pp.321-326.
55. Laumann, E. O. & A. Paik & D. B. Glasser & J. H. Kang & T. Wang & B. Levinson & C. Gingell; "A Cross-National Study of Subjective Sexual Well-Being Among Older Women and Men: Findings from the Global Study of Sexual Attitudes and Behaviors"; *Archives of Sexual Behavior*, 2006, v.35 (2), pp.143-159.
56. Larson J. H. & S. M. Anderson & T. B. Holman & B. K. Niemann; "A Longitudinal Study of the Effects of Premarital Communication, Relationship Stability, and Self-Esteem on Sexual Satisfaction in the First Year of Marriage"; *Journal of Sex & Marital Therapy*, 1998 Jul 1, v.24 (3), pp.193-206.
57. McNeil, S. H. & E, S.Bayers; "Dyadic Assessment of Sexual Self Disclosure and Sexual Satisfaction in Heterosexual Dating Couples"; *Journal of Marriage and Family*, 2006, v.37 (3), pp.573-581.
58. Schich, V. R. & S. K. Calberese & B. N. Rima & A. N. Zucker; "Genital Appearance Dissatisfaction: Implications for Women's Genital Image Self-consciousness, Sexual Esteem, Sexual Satisfaction and Sexual Risk"; *Psychology of Women Quarterly*, 2016, v.4 (4), pp.444-456.
59. Sierra J. C. & P. Vallejo-Medina & P. Santos-Iglesias & N. Moyano & M. R. Granados & M. del Mar Sánchez-Fuentes; "Funcionamiento Sexual en Personas Mayores: Influencia de la Edad y de Factores Psicosexuales"; *Revista Internacional de Andrología*, 2014 Apr 1, v.12 (2), pp.64-70.
60. Schmidt, G.; "Sexual permissiveness in Western Societies. Roots and Course of Development"; *Nordisk Sexologi*, 1989, v.7 (4), pp.225-234.
61. Slosarz, W. J.; "Relationship Between Lifestyle and Factors Affecting Sexual Life"; *Journal of Sexual and Relationship Therapy*, 2000, v.15 (4), pp.367-380.
62. Yucel, D. & M. A. Gassanov; "Exploring Actor and Partner Correlations of Sexual Satisfaction among Married Couples"; *Social Science Research*, 2010, v.39 (50), pp.725-738.